

رسالہ

رؤیت ہلال



تألیف:

آیة اللہ العظمیٰ سید رضا حسینی نسب



پیشگفتار

مبحث رؤیت هلال، یکی از مباحث مورد اهتمام مسلمانان در سراسر جهان است. زیرا بسیاری از مناسک و عبادات آنها مانند حج، روزه ماه رمضان، تعیین روز عید فطر و عید قربان، تشخیص اول هرماه برای انجام اعمال و مستحبات مربوط به آن ماه، و امثال این موارد، مبتنی بر رؤیت هلال و تعیین اول ماه قمری می باشد.

در قرآن مجید، واژه "قمر" به معنای کره ماه 27 مرتبه آمده است که به ابعاد مختلف آفرینش یا احکام این کره آسمانی، اشاره دارد.

به عنوان مثال، در آیه پنجم از سوره یونس چنین می خوانیم:

"هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ".

یعنی: اوست کسی که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه هایی مقدر کرد، تا عدد سالها و حساب را بدانید؛ و خداوند آن را جز بحق نیافرید؛ او آیات و نشانه ها را برای مردمی که دانا هستند، تبیین می فرماید.

در آیه 96 از سوره انعام نیز، چنین می فرماید:

"قَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ".

یعنی: اوست شکافنده صبح؛ و او شب را ماه آرامش، و خورشید و ماه را وسیله محاسبه قرار داد؛ این امر، تقدیر و اندازه‌گیری خداوند توانا و داناست.

در آیه 33 از سوره انبیاء هم چنین می‌خوانیم:
"وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ"

یعنی: اوست که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید؛ هر يك از آنها در مداری در حرکتند.

در آیه 39 از سوره "یس" نیز، چنین می‌فرماید:

"وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ".
یعنی: و برای ماه، منزلگاه‌هایی در نظر گرفته ایم، تا آنکه سرانجام بصورت (شاخه قوسی شکل و قدیمی) در می‌آید.

همچنین، در آیه 40 از سوره "یس" چنین آمده است:
"لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ".

یعنی: نه خورشید را سزاوار است که به ماه برسد، و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد؛ و هر کدام در مدار خود شناورند.

دقت در مفاهیم این آیات شریفه قرآن می‌تواند در ادراک برخی از احکام کره ماه، مفید و مثمر ثمر باشد. برخی از این احکام را در طی این رساله، تبیین خواهیم کرد.

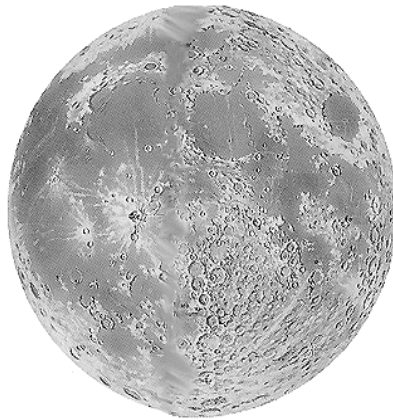
در این نوشتار موجز، تلاش می‌کنیم تا ابتدا به بیان برخی از مشخصات مهمّ کره ماه که مطالعه آنها، ما را در محاسبات فلکی خود پیرامون حالات این کره آسمانی کمک خواهد کرد، پردازیم؛ و آنگاه، مباحث اساسی مربوط به رؤیت هلال را از نظر گرامی شما بگذرانیم.

مشخصات کلی کره ماه

در این بخش، اطلاعاتی کلی و نکاتی مهم را در باره کره ماه، که به منظور آگاهی بهتر از مسأله رؤیت هلال باید بدانیم، از نظر شما می گذرانیم:

نکته اول

کره ماه، تنها قمر زمین است که به طور متوسط با سرعت $1/022$ کیلومتر در ثانیه، به دور سیاره ما در گردش است. قطر استوایی این قمر، معادل 3476 کیلومتر است و فاصله متوسط آن تا کره زمین 384403 کیلومتر می باشد. مدت حرکت انتقالی ماه به دور زمین، 27 روز و 7 ساعت و 43 دقیقه است.

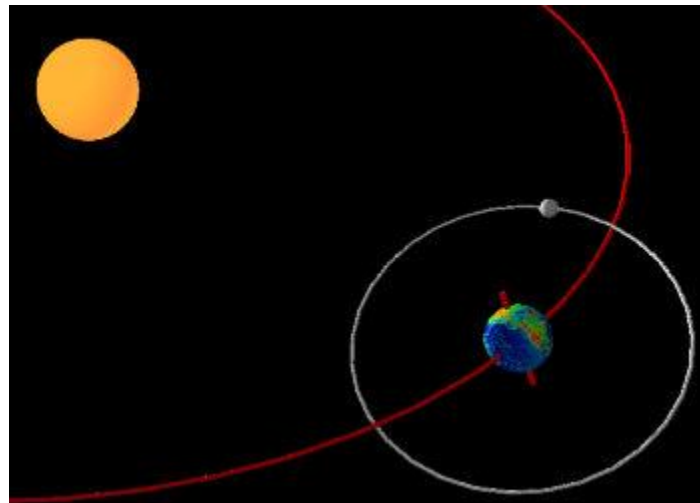


جهت حرکت انتقالی ماه به دور زمین، بر خلاف جهت عقربه ساعت (یعنی از غرب به شرق) است.

مدّت زمان لازم برای یک دور حرکت وضعی ماه به دور خودش نیز، حدود یک ماه است. بنا بر این، در هر مرتبه که ماه یکبار به دور زمین می چرخد، در همان مدّت نیز، یک مرتبه به دور محور خودش گردش می نماید.

زمان لازم برای رسیدن نور ماه به کره زمین، در حدود $1/3$ ثانیه است.

کمترین دمای سطح ماه (در قسمت تاریک آن) به حدود منهای 155 درجه سانتی گراد، و بیشترین دمای آن (در قسمت نورانی ماه) به حدود 105 درجه سانتی گراد می رسد.



کره ماه در هر سال، به اندازه 2 سانتی متر از زمین دورتر می شود.

نیمی از سطح ماه، همواره به طرف زمین قرار دارد که به عنوان "سمت پیدای ماه" نامیده می شود؛ و نیم دیگر آن که همیشه برای ساکنان زمین نامرئی است، به عنوان "سمت پنهان ماه" نام گذاری شده است.

نکته دوم

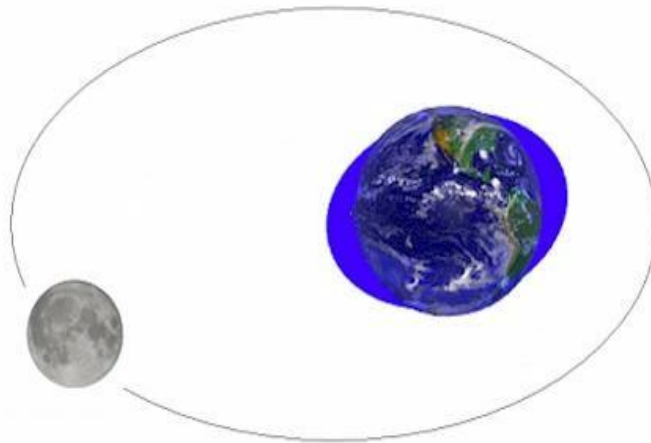
از آنجا که اصطلاحاً، زمین و ماه، یک زوج نابرابر فلکی هستند، گرچه گردش هردو به دور یکدیگر است، اما بدلیل اینکه وزن زمین به مراتب بیش از وزن کره ماه است، مرکز گرانش آندو کاملاً در وسط دو کره یادشده قرار ندارد، بلکه این مرکز به زمین نزدیکتر است. بنا بر این، هم زمین و هم ماه، به دور این مرکز گرانشی در حرکتند، اما به خاطر عدم توازن آندو و نزدیک بودن مرکز یادشده به کره زمین، چنین به نظر می رسد که ماه به دور زمین می گردد. پیدایش جریان مدّ آب دریاها و اقیانوسها در سمتی از زمین که پشت به ماه است، به خاطر این پدیده می باشد. این مسأله را در نکته زیر، توضیح می دهیم:

نکته سوم

بر روی سطح زمین، همیشه دو منطقه وجود دارد که در آنجا، آب اقیانوسها در فواصلی معین، به سمت بیرون کره زمین کشیده می شود و بالا می آید. این دو منطقه را "کوههای دو گانه مدّ" می گویند. منطقه نخست، دقیقاً در امتداد خط واصل

مرکز ماه و مرکز گرانش و در قسمت رو به ماه قرار دارد، و منطقه دیگر در همان امتداد ولی در قسمت پشت به ماه قرار دارد. دلیل ایجاد "کوه مد" در منطقه نخست را می‌توان به راحتی فهمید. زیرا آبهای دریاها و اقیانوسها در جهت ماه به وسیله نیروی جاذبه کره ماه، جذب می‌شوند. اما "کوه مد" دوم که در آن قسمتی از زمین قرار دارد که روبروی ماه نیست، جای سؤال و دقت دارد.

همانطور که قبلاً گفتیم، کره زمین به دور مرکز گرانش مشترک خود با کره ماه، جابجا می‌شود. به این دلیل، یک نیروی رانش به سمت بیرون از زمین به وجود می‌آید که بخش عمده این نیرو در قسمت پشت به ماه از کره زمین متمرکز می‌باشد. بنابراین، آبهای آن منطقه نیز، بر اثر نیروی مذکور به خارج از زمین کشیده می‌شوند.

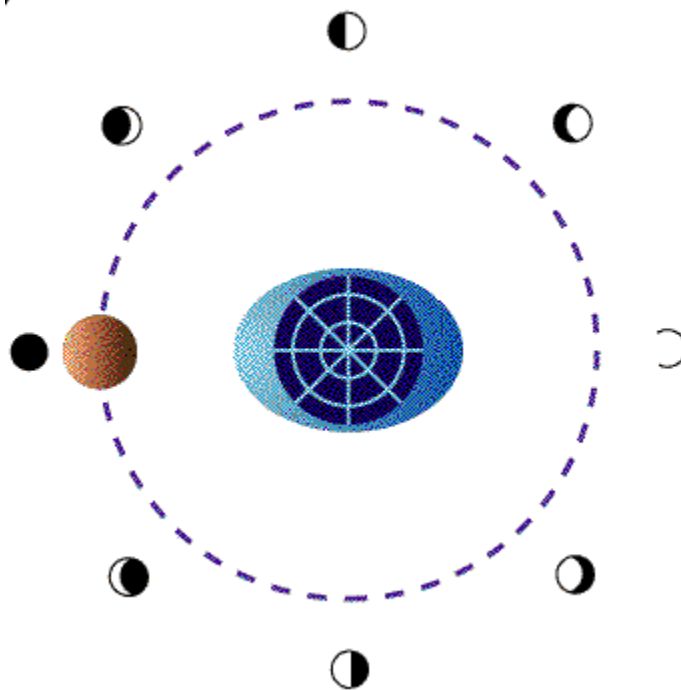


مطلب دیگری که در این زمینه حایز اهمیت است این است که محل وقوع دو کوه مد یادشده، به جهت کره ماه نسبت به

زمین بستگی دارد. به دلیل حرکت وضعی زمین، این دو کوه مد همواره در حال چرخش به دور خود می باشند، بطوری که هر منطقه از سطح زمین تقریباً روزانه دو بار زیر یک منطقه کوه مد قرار می گیرد.

همچنین، بدلیل حرکت آرام ماه به دور زمین، محل "کوههای مد" نیز، تغییر می یابد.

مطلب دیگر اینکه هرگاه زمین و ماه و خورشید در یک خط امتداد قرار گیرند، نیروی جاذبه خورشید، موجب تقویت نیروی گرانش ماه می گردد و موجب بزرگترین جزر و مدها می گردد. این حالت در هنگام تحقق "ماه نو" و یا هنگام حصول "بدر کامل" به وجود می آید.

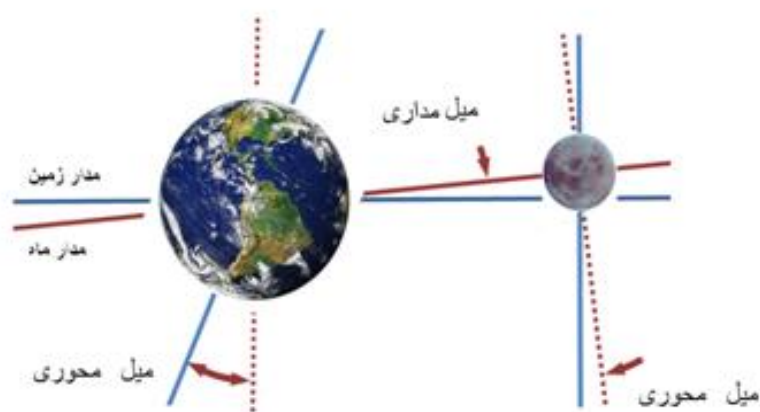


با توجه به اینکه نیروی جاذبه خورشید نیز بر جزر و مدّ دریاها تاثیر می گذارد، بنا بر این، در حالت "نیم ماه" ، نیروی گرانش خورشید، نیروی جاذبه ماه را تا حدودی خنثی می سازد و بر خلاف حالت بدر و ماه نو، جزر و مدّ آنها کمتر می گردد.

نکته چهارم

صفحه مداری کره ماه به دور زمین با صفحه مداری کره زمین به دور خورشید منطبق نیست، بلکه میل آن دو بیش از پنج درجه می باشد.

در غیر این صورت، در هر ماه به هنگامی که خورشید و ماه و زمین در امتداد یک خط قرار می گرفتند، باید شاهد خسوف و گرفتگی ماه باشیم و هرگز حالت "بدر" صورت نمی پذیرفت.

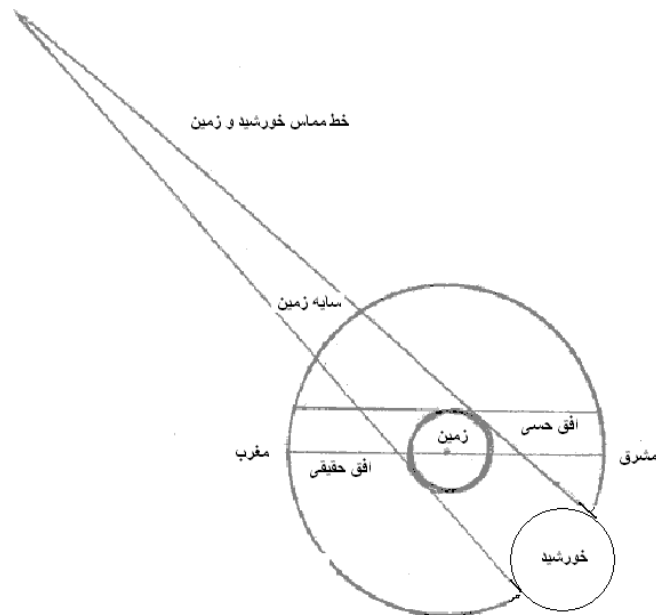


نکته پنجم

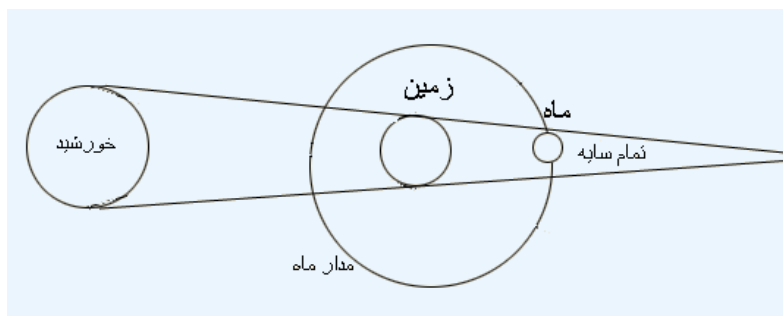
نظر به اینکه به واژه خسوف اشاره کردیم، شایسته است بحث کوتاهی در باره این پدیده که در مسأله رؤیت هلال هم نقش دارد، داشته باشیم.

از آنجا که جرم خورشید از جرم زمین بیشتر است، بنا بر این، بخش روشن زمین همواره بیش از نصف آن می باشد. این مطلب را "ارسطرخس" در شکل دوم از رساله "جرم خورشید و ماه" به شرح ذیل، تبیین نموده است:

"هرگاه کره ای کوچکتر، نور را از کره ای بزرگتر از خود دریافت نماید، جزء نورانی آن کره کوچکتر، بیشتر از نصف آن خواهد بود".



سایه زمین در فضا، به شکل مخروطی مستدیر است که نوک آن همواره به جانب منطقة البروج (یعنی در سطح مدار زمین به دور خورشید) می باشد. بنا بر این، روز عبارت است از مدّت زمانی که مخروط در زیر افق قرار دارد، و شب عبارت است از مدّت زمانی که مخروط یادشده در بالای آن قرار دارد.



به هنگامی که کره ماه وارد سایه مخروطی شکل زمین گردد، "خسوف" یا ماه گرفتگی تحقق می یابد.

همانطور که قبلا گفتیم، صفحه مداری کره ماه به دور زمین با صفحه مداری کره زمین به دور خورشید منطبق نیست، بلکه میل آندو بیش از پنج درجه می باشد.

کره ماه، در نیمی از ماه، در بالای صفحه دایرة البروج حرکت می کند، و نیم دیگر از ماه، در پایین آن قرار دارد. بر این اساس، دو نقطه تقاطع میان دو دایره مداری یادشده وجود دارد که کره ماه، دایرة البروج را در آن دو نقطه قطع می کند.

این دو نقطه را "عقدة الرأس" (یا گره شمالی) و "عقدة الذنب" (یا گره جنوبی) می نامند.

بنا بر این، تنها در صورت تحقق شرایط ذیل، خسوف و گرفتگی ماه، رخ می دهد:

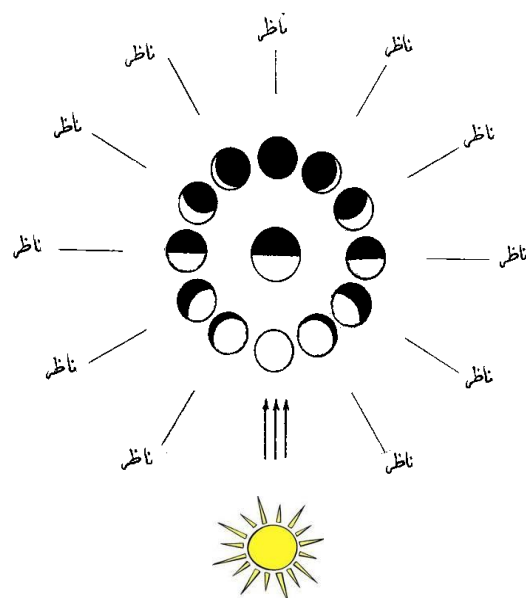
1. شرط اول اینکه کره زمین در میان خورشید و ماه قرار داشته باشد.

2. شرط دیگر اینکه ماه در حرکت خودش به دور زمین، در حال عبور از "عقدة الرأس" یا "عقدة الذنب" باشد.

ملاحظه این شرط دوم در امر خورشید گرفتگی نیز ضروری است. با این تفاوت که در "کسوف" و خورشید گرفتگی، کره ماه در میان خورشید و زمین قرار می گیرد.

ماه قمری و رؤیت هلال

کره ماه دارای حالات گوناگونی است که مانند هر کره تاریک دیگر، به تناسب جایگاه آن در مقایسه با زمین و خورشید و زاویه دید ناظر نسبت به بخش نورانی آن که برای او قابل رؤیت هست، برای آن کره حاصل می شود.



عناوین این حالات نسبت به ما که بر روی کره زمین زندگی می کنیم، به شرح ذیل نامیده می شود:

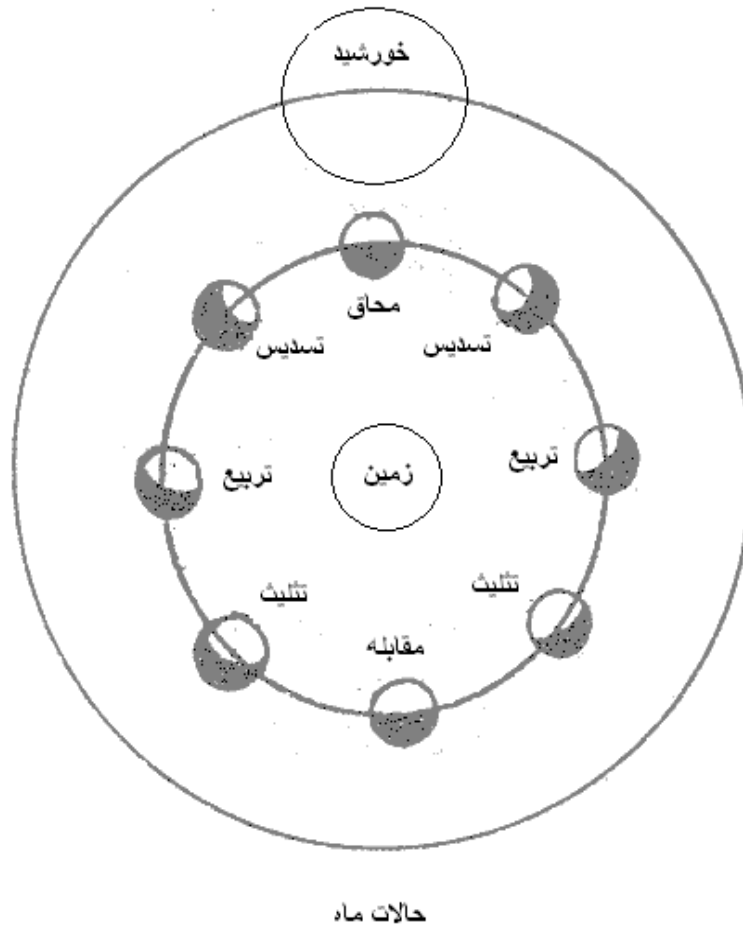
- حالت محالق
- حالت مقابله

- حالت بدر
- حالت تثلیث
- حالت تربیع
- حالت تسدیس

هنگامی که ماه در حال اجتماع میان خورشید و زمین قرار دارد، بخش نورانی آن به سمت خورشید و بخش تاریک آن به جانب زمین است. این حالت را محاق می نامند. هنگامی که ماه به مقدار معینی از آن موضع فاصله بگیرد، به هلال تبدیل می شود که به تناسب زیادت بُعدش، تسدیس، تربیع، و سپس تثلیث نامیده می شود.

هنگامی که ماه به نقطه مقابل نقطه محاق برسد، حالت آن برعکس می شود، یعنی: بخش نورانی آن به سوی زمین خواهد بود. این حالت را مقابله می نامند، و ماه را به خاطر نورانی بودن تمام سطح آن که روبروی زمین قرار دارد، بدر می نامند.

سپس، ماه دوباره به نقطه اول باز می گردد تا به حالت محال می رسد.



از آنجا که در شرع اسلام، اول ماه قمری با رؤیت هلال ثابت می گردد، و رؤیت هلال نیز در هنگام غروب خورشید تحقق می یابد، بنا بر این، هنگام غروب خورشید، مبدأ ماه قمری شناخته می شود.

ماه حقیقی و ماه وسطی

در اینجا شایسته است برخی از اصطلاحات و تعاریف فلکی را در خصوص اقسام ماه قمری، از نظر شما بگذرانیم. برخی از محققان علم هیأت و نجوم، ماه قمری را بر دو قسم دانسته اند:

1. ماه قمری حقیقی
2. ماه قمری وسطی

ماه قمری حقیقی، از هلال تا هلال است، که شامل حدّ اقل بیست و نه روز، و حدّ اکثر سی روز می باشد. امکان ندارد که ماه قمری بیش از چهار ماه به صورت متوالی، سی روزه باشد، و امکان ندارد که بیش از سه ماه به صورت متوالی، بیست و نه روز باشد. برهان این امر، در زیج بهادری به تفصیل آمده است.

ماه قمری وسطی آن است که در زیج های فلکی، بر اساس حرکات وسطی کواکب تبیین شده است. صاحبان زیج های فلکی، ماه محرم را به عنوان نخستین ماه قمری در نظر می گیرند و آن را بر اساس ضابطه یادشده سی روز محاسبه می کنند، و ماه صفر را بیست و نه روز در نظر می گیرند، و همینطور، هر ماه فرد را سی روز و هر ماه زوج را بیست و نه روز محاسبه می نمایند.

این ماه را "ماه زیجی" هم می نامند.

از آنجا که از دیدگاه فقهی ، اول ماه حقیقی با رؤیت هلال - نه با حرکت وسطی - ثابت می گردد، شهید اول در کتاب صوم از لمعه دمشقیه فرموده است: "استدلال به جدول، معتبر نیست".

مقصود از جدول، کتاب های زیج فلکی است که محاسبات آنها مبتنی بر حرکات وسطی کواکب است.

از منظری دیگر، ستاره شناسان، ماه قمری را بر دو قسم تقسیم کرده اند:

1. ماه هلالی.

2. ماه نجومی.

ماه هلالی آن است که مدّت زمان آن از دیدگاه ساکنان کره زمین، محاسبه و تبیین می گردد. این منجمان، ماه هلالی را نیز بر دو قسم دانسته اند:

1. ماه هلالی رؤیتی.

2. ماه هلالی حسابی.

اینک به توضیح هریک از آنها می پردازیم.

ماه هلالی رؤیتی

منظور از ماه هلالی رؤیتی، همان ماه قمری حقیقی است که توضیح داده شد. بنا بر این، ماه هلالی مذکور، از رؤیت هلال اول ماه شروع می شود و با رؤیت هلال ماه بعدی به پایان می رسد.

همانطور که قبلا بیان شد، امکان ندارد که این ماه قمری بیش از چهار ماه به صورت متوالی، سی روزه باشد، و امکان ندارد که بیش از سه ماه به صورت متوالی، بیست و نه روز باشد.

ماه هلالی حسابی

مقصود از ماه هلالی حسابی، همان ماه قمری وسطی است که قبلا توضیح دادیم. ماه هلالی حسابی با قرار گرفتن کره ماه و خورشید و زمین در یک خط (یعنی از لحظه محاق) آغاز می شود و هنگامی که پس از یک دوره کامل گردش ماه به دور زمین مجددا در همان وضعیت قرار گیرد (یعنی در لحظه محاق ماه بعدی)، به پایان می رسد.

مدت زمان این ماه که از محاق تا محاق، محاسبه می شود، از دیدگاه ناظر زمینی، عبارت است از 29 روز و 12 ساعت و 44 دقیقه.

به عبارت دیگر، مدت زمان ماه هلالی حسابی عبارت است از: ۲۹/۵۳۰۵۹ روز.

از آنجا که ستاره شناسان، روزهای ماه را در تقاویم خود بر اساس عدد صحیح اعلان می کنند، بنا بر این، حدّ اقل روزهای ماه قمری را 29 روز و حدّ اکثر آن را 30 روز بیان می نمایند. به عبارت دیگر، آن مقدار از زمان که به ساعت بیان شد را به یک ماه اضافه می کنند و از ماه دیگر کسر می نمایند. از اینجاست که یک ماه را 30 روزه و ماه بعدی را 29 روزه اعلان می کنند.

روش بسیاری از دانشمندان هیأت و نجوم این است که ماه اول قمری (یعنی ماه محرم) را 30 روزه؛ و ماه دوم (یعنی ماه صفر) را 29 روزه بیان کرده اند. و همینطور، هر ماه فرد را سی روز و هر ماه زوج را 29 روز اعلام کرده اند. این روش در تبیین ماه های همه سالها به کار برده شده است، مگر در خصوص سالهای کبیسه.

ماه نجومی

این ماه قمری، بر اساس گردش کره ماه به دور زمین، از دیدگاه ناظری زمینی محاسبه نمی شود، بلکه بر اساس منظر نجومی در نظر گرفته می شود. مدّت زمان ماه نجومی عبارت است از فاصله زمانی میان دو بار قرار گرفتن متوالی ماه و زمین و یک ستاره ثابت که خارج از منظومه شمسی است بر یک خط واحد.

به عبارت دیگر، ماه نجومی عبارت است از فاصله زمانی که ماه در کره آسمانی نسبت به یک ستاره یا نقطه ثابت دیگری، یک دور کامل می‌گردد. این فاصله زمانی عبارت است از 27 روز و 7 ساعت و 43 دقیقه و 11 ثانیه. به عبارتی دیگر، مدّت زمان ماه نجومی عبارت است از: ۲۷/۳۲۱۶۶۱ روز. ماه نجومی را "ماه طبیعی" هم نامیده‌اند.

رؤیت هلال

در زمینه رؤیت هلال، مسائل گوناگونی به شرح ذیل، مطرح می‌گردد که تلاش خواهیم کرد در این فصل از کتاب، به آنها بپردازیم.

- اثبات رؤیت هلال با محاسبات فلکی
- شمول حکم رؤیت هلال برای همه مناطق

اثبات رؤیت هلال

یکی از پرسش‌هایی که در زمینه اثبات رؤیت هلال مطرح می‌شود این است که آیا طریقه آن، تنها مشاهده حسّی هلال ماه با چشم است، یا اینکه شامل اثبات آن از طریق محاسبات فلکی نیز می‌گردد؟

در اعصار گذشته عموم مردم، رؤیت هلال را با چشم، دلیلی طبیعی و مناسب برای اثبات اول ماه می دانستند. اما از اوائل دهه شست میلادی تا کنون، دانشمندان در کارایی، دقت و صحت مشاهده هلال با چشم عادی تردید دارند. دلیل تردید آنان، بروز پدیده های تازه ای است که موجب ناکارایی مشاهده هلال با چشم عادی گردیده است. برخی از عوامل مذکور بدین شرح می باشند:

الف- وجود تعداد بسیار زیادی از ماهواره ها و سفینه های فضایی در جوّ که به صورت دائم در جهات گوناگون به دور زمین می گردند و پس از غروب خورشید، نور آن را شبیه هلال، منعکس می کنند.

برای دانشمندان ثابت شده است که بسیاری از مدعیان رؤیت هلال در برخی از کشورهای اسلامی، دچار اشتباه شده اند، زیرا در زمان مورد ادعای آنان، هنوز هلال ماه بر اساس موازین و محاسبات دقیق فلکی متولد نشده بوده است ، و در عین حال، آنها ادعا کرده اند که هلال ماه را دیده اند.

ب- وجود بسیاری از بیماریهای دستگاه بصری که گاهی برای خود مشاهده کنندگان هم ناشناخته مانده و آنان را دچار خطای دید می کند. یکی از دانشمندان، برخی از این بیماریها را بدین شرح بیان می کند:

1. Colour Blindness
2. Cataract
3. Staphylococci
4. Internal Sties
5. Abscesses
6. Ptosis
7. Conjunctivitis
8. Trachoma
9. Glaucoma
10. Choroid
11. Retinitis
12. Ametropia
13. Diplopia
14. Myopia
15. Hyperopia
16. Astigmatism
17. Amblyopia

بر اساس آنچه گذشت به خوبی روشن می گردد که :

الف- اثبات قابل رؤیت بودن هلال با استفاده از قواعد علمی و فلکی دقیق، به واقعیت نزدیکتر است و بیش از برخی

ادّعاهای اشخاص مبنی بر مشاهده هلال با چشم، قابل اعتماد است.

ب- برای احراز صحت سخن شاهدانی که مدعی رؤیت هلال شده اند، باید نکات ذیل را رعایت کرد:

1. امکان پذیری رؤیت هلال در زمان و مکان مورد ادّعا باید بر مبنای قواعد علمی و فلکی به اثبات برسد. در صورت اثبات عدم امکان رؤیت هلال بر اساس قواعد علمی و یقینی، ادّعای مزبور، ارزشی ندارد.

2. باید نسبت به سلامت دستگاه بینایی مدّعیان رؤیت هلال از بیماریهای مذکور، اطمینان حاصل گردد. در صورت تحقق این دو امر، جایی برای تعارض و تناقض در ادّعای شاهدان باقی نمی ماند و مراجع تصمیم گیرنده مذهبی نیز، کمتر دچار اختلاف نظر در اعلام روز عید می شوند.

اثبات رؤیت هلال با محاسبات فلکی

در فقه اسلامی به این دیدگاه فقهای بر می خوریم که اگر قواعد فلکی برای فرد یا افرادی موجب حصول علم و یقین به رؤیت هلال گردد، بنا بر این، اول ماه برای آن فرد یا افراد، به اثبات می رسد و شرعا اعتبار دارد.

در عین حال، برخی از اشخاص گمان برده اند که این سخن شهید اول در لمعه دمشقیه که فرموده است: "ولا عبرة بالجدول" (یعنی: جدول برای اثبات این امر اعتبار ندارد)، اشاره به عدم اعتبار محاسبات فلکی برای اثبات رؤیت پذیری هلال است.

در حالی که در همین درس به این نکته اشاره کردیم که مقصود آن نویسنده از "جدول"، زیج های مدون است که بر مبنای حرکات وسطی کواکب تدوین گردیده است.

روشن است که محاسبه ماه های قمری توسط صاحبان زیج ها بر مبنای حرکت وسطی کواکب، با محاسبات فلکی امروز که بر اساس مشاهدات اجرام فلکی و تحلیل آنها بر مبنای قواعدی بسیار دقیق صورت می گیرد، تفاوت بارزی دارد. علم فلک شناسی معاصر می تواند به خوبی روشن سازد که به صورت قطعی و یقینی، در فلان روز مثلا و فلان ساعت، هلال اول ماه در منطقه یا مناطقی معین از کره زمین پس از غروب آفتاب در بالای افق غربی قابل رؤیت خواهد بود. در صورتی که مبنای محاسبات فلکی معاصر توسط متخصصان واجد شرائط به خوبی توضیح داده شود، مطمئنا موجب تحصیل علم یقینی به قابل رؤیت بود هلال در زمان و مکان مورد نظر خواهد شد.

از سوی دیگر می دانیم که علم یقینی، حجت است؛ خواه این علم از طریق مشاهده عینی هلال باشد یا از طریق

محاسبات دقیق فلکی بر مبنای دستاوردهای جدید علمی معاصر.

از سوی دیگر می دانیم که رؤیت هلال در اثبات اول ماه قمری، موضوعیت ندارد، بلکه طریقیّت دارد. بنا بر این، اگر طریق معتبر دیگری برای اثبات روز اول ماه وجود داشته باشد، به آن تمسک می جوییم.

به این دلیل، در شرع مقدس اسلام نیز، طرق دیگری مانند بیّنه (شهادت شهود معتبر) و اکمال عدّه (سی روز) برای اثبات به پایان رسیدن ماه قبلی و شروع ماه قبلی بیان شده است.

معنای "رؤیت" در لغت و اصطلاح

از آنجا که بسیاری از فقهاء اسلام به منظور اثبات توقف ثبوت اول ماه بر مشاهده بصری به این حدیث شریف تمسک جسته اند که می فرماید: "صم للرؤية و افطر للرؤية". یعنی: "با رؤیت روزه بگیر و با رؤیت افطار کن"; بنا بر این باید واژه "رؤیت" را از دیدگاه لغت و اصطلاح، مورد بررسی قرار دهیم تا حقیقت روشن گردد.

کلمه "رؤیت" در لغت و اصطلاح، دارای معانی متعددی بدین شرح است:

"رأى" : أدرك (یعنی: درک کرد)، تصوّر (تصوّر کرد)، راقب (مراقبت کرد)، فحص (جستجو کرد)، حصل على المعرفة و

الخبرة (شناخت و تخصص بدست آورد)، حَقَّق (تحقیق نمود)، یا محقق ساخت)، فُتِّش (جستجو کرد)، أخذ بعین الاعتبار (معتبر دانست)، لاحظ (ملاحظه کرد)، نظر بالعقل (با خرد مشاهده کرد)، شاهد بالعين (با چشم مشاهده نمود)، اعتقد (معتقد شد)، فهم المعنى الحقیقی (معنای واقعی را دانست).

همچنین واژه رؤیت در قرآن مجید و متون اسلامی به معنای ادراک عقلی، مشاهده حسی، ادراک وجدانی، مشاهده در عالم رؤیا، و تصور کردن آمده است.

بنا بر این، ادراک یقینی نسبت به قابل مشاهده بودن هلال ماه در تاریخی معین بر مبنای محاسبات دقیق فلکی، یکی از مصادیق "رؤیت" از دیدگاه لغت عربی و اصطلاحات شرعی می باشد.

شمول حکم رؤیت هلال برای همه مناطق

یکی دیگر از مسائل مهم در مبحث رؤیت هلال این است که آیا از دیدگاه فقهی، رؤیت هلال در منطقه ای از مناطق، آغاز ماه قمری را برای تنها همان منطقه اثبات می کند، یا حکم سایر بلاد نیز با آن به اثبات می رسد؟

گرچه این مسأله از فروع فقهی است و باید در علم فقه مورد بررسی قرار گیرد، ولی در عین حال، برخی از ابعاد نجومی نیز در فهم دقیق آن وجود دارد و می تواند به پاسخ پرسش مذکور کمک نماید.

دانشمندان مسلمان در خصوص این مسأله اختلاف نظر دارند. به عنوان مثال، محقق حلی در مبحث روزه و علامات ماه رمضان از کتاب "شرایع الاسلام" چنین می گوید:

"هرگاه هلال ماه رمضان در یکی از شهرهای نزدیک به هم مانند کوفه و بغداد دیده شود، واجب است اهالی همه این شهرها روزه بگیرند، بر خلاف مناطق دور مانند عراق و خراسان، که اگر ماه در یکی از آنها دیده شود، فقط اهالی آن منطقه ملزم به حکم مذکور هستند".

از سوی دیگر، برخی از فقهای دیگر مانند صاحب جواهر الکلام و محدث بحرانی، حکم هلال در بلاد دور را هم مساوی دانسته اند.

محدث بحرانی، این نظریه را به شیخ فخر الدین در شرح قواعد نسبت داده و چنین می گوید:

"آنچه شیخ فخر الدین بیان کرده است حق است و اخبار صحیح که برخی از آنها را نقل کرده است نیز، آن را تأیید می نماید".

سپس می گوید:

"نتیجه اینکه: اگر رؤیت هلال ماه رمضان در بلدی به اثبات برسد، خواه آن بلد دور باشد یا نزدیک، روزه گرفتن واجب می گردد". (الحدائق الناضرة، جلد 13، کتاب الصوم).

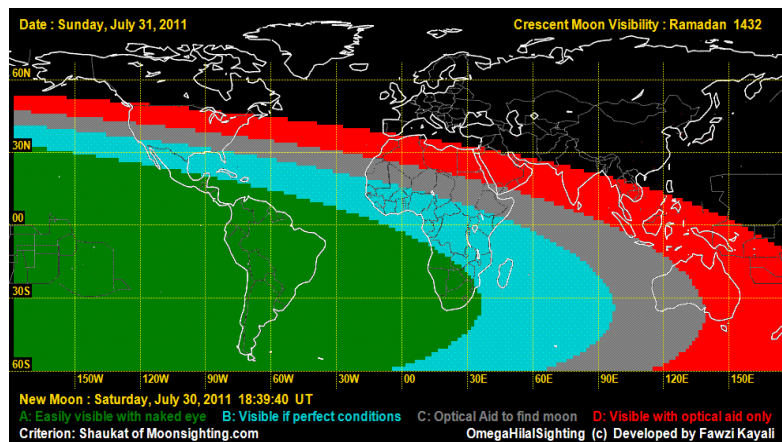
صاحب جواهر الکلام نیز، چنین می گوید:
"اختلاف آفاق، معمولا موجب علم به عدم امکان رؤیت در
یکی از دوشهر نمی شود. بر این اساس، در صورت رؤیت
هلال در یک شهر، حکم به وجوب روزه، بر همه شهرها، قوی
است." (جواهر الکلام، جلد 16، صفحه 361).

همانطور که ملاحظه نمودید، برخی از علمای اسلام، حکم
بلاد دور را در رؤیت هلال، یکسان دانسته اند، و بعضی دیگر،
آن را مختلف پنداشته اند.

اما علامه حسن زاده آملی در این زمینه تفصیل قائل شده و
چنین می گویند:
"سخن در آفاق دور، مبتنی بر تفصیل است، و آن اینکه هرگاه
هلال در افقی که نسبت به آفاق دور، شرقی است
مشاهده شود، رؤیت هلال نسبت به آفاقی که نسبت به آن
غربی هستند نیز به اثبات می رسد. اما عکس آن درست
نیست." (دروس معرفة الوقت و القبلة، درس 75).

برخی از مراجع نیز بر اساس این نظریه، فتوا داده اند که اگر
هلال در منطقه ای شرقی رؤیت شود، در مناطقی که در
غرب آن منطقه قرار دارد نیز، قابل رؤیت خواهد بود.

نکته ای که در زمینه این تفصیل باید یاد آور شویم این است که اگر به نقشه های دقیق رؤیت پذیری هلال دقت کنیم در می یابیم که ممکن است هلال در بلدی که شرقی است ولی در زیر خط استوا قرار دارد قابل مشاهده باشد، اما در عین حال، در بلدی که در غرب آن است ولی در بالای خط استوا قرار دارد، قابل رؤیت نباشد.



نمونه ای از نقشه های رؤیت پذیری هلال

بنا بر این، قاعده یادشده در زمینه تفصیل مذکور، کلیت ندارد.

دیدگاه ما

دیدگاه فقهی نگارنده این است که اگر هلال ماه در هنگام شامگاه در یکی از مناطق روی زمین، به صورت قطعی و با

چشم مجرد قابل رؤیت باشد، فردای آن روز برای دیگر مناطق روی زمین، روز اول ماه خواهد بود. بسیاری از فقهای دیگر شیعه نیز، مانند صاحب جواهر الکلام، صاحب حدائق، فیض کاشانی در کتاب الوافی، سید محسن حکیم در کتاب المستمسک، محقق نراقی در کتاب مستند الشیعة، محقق خویی در کتاب منهاج الصالحین و غیر آنها، به این راه رفته اند که رؤیت هلال در یک بلد، برای شهرها و آبادی های دیگر، کفایت می کند.

ادله این دیدگاه

دلایل بسیاری برای این دیدگاه وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می نمایم:

دلیل اول

یکی از ادله ای که بر کفایت رؤیت هلال در یکی از بلاد برای همه بلاد دیگر اقامه شده است، احادیث متعددی است که در زمینه گواهی شاهدان بر رؤیت هلال در یوم الشکّ از پیشوایان معصوم (علیهم السلام) روایت شده است. در اینجا برخی از روایات یادشده را از نظر شما می گذرانیم:

روایت 1: در صحیح حلی از امام صادق (ع) روایت شده

است که در پاسخ سؤال راوی که در باره هلال پرسید، چنین فرمود:

"فاذا رايت الهلال فصم و اذا راينه فافطر. قلت: أرايت ان كان الشهر تسعة و عشرين يوما اقضى ذلك اليوم؟ فقال: لا الا ان تشهد لك بينة عدول؛ فان شهدوا انهم رأوا الهلال قبل ذلك فاقض ذلك اليوم". (وسائل الشیعه، باب 5 از ابواب احکام شهر رمضان، حدیث 9).

یعنی: هرگاه هلال [ماه رمضان] را رؤیت کردی، روزه بگیر و هرگاه هلال [ماه شوال] را رؤیت کردی، افطار کن. (راوی می گوید:) پرسیدم: آیا اگر ماه، بیست و نه روز بود، یک روز را قضا کنم؟ امام فرمود: خیر، مگر آنکه شاهدان عادل برای تو گواهی دهند، اگر شهادت دادند که هلال را قبل از آن روز دیده اند، روزه آن روز را قضا کن.

این حدیث شریف از نظر سند، روایتی صحیح است و مورد اعتماد فقهاء و علماء رجال. در روایت معتبره ابن سنان و همچنین در معتبره زید شحّام هم حدیث مذکور به همین صورت مطلق، بیان شده است. (وسائل الشیعه، باب 5 از ابواب احکام شهر رمضان، حدیث 19).

همچنین از نظر دلالت نیز، مطلق است و قیدی در خصوص مکان خاص و بلد معینی ندارد.

توضیح اینکه امام صادق (ع) نمی فرماید اگر شاهدانی که در شهر تو هستند شهادت دادند، بلکه شاهدان را به صورت مطلق بیان کرده اند که شامل شاهدانی می شود که در همان بلد هلال را دیده اند، یا آنانکه در بلاد دیگر شاهد رؤیت هلال بوده اند.

بنا بر این، اطلاق این حدیث و احادیثی که در زیر می آید، بر اشتراک بلاد و کفایت رؤیت هلال در یکی از بلاد برای مناطق دیگر دلالت می نماید، و تفاوتی میان شهرهای نزدیک به هم یا دور از یکدیگر وجود ندارد.

روایت 2: در روایت معتبره منصور ابن حازم از امام صادق (علیه السلام) چنین آمده است:

"صم لرؤية الهلال و افطر لرؤيته، فان شهد عندكم شاهدان مرضيان بانهما رأياه فاقضه". (وسائل الشیعه، باب 11 از ابواب احکام شهر رمضان، حدیث 4).

یعنی: با رؤیت هلال، روزه بگیر و با رؤیت هلال، روزه را افطار کن؛ پس اگر دو شاهد مورد قبول در نزد شما شهادت دادند که هلال را دیده اند، پس روزه آن روزی را که افطار کرده بودی، قضا کن.

این حدیث معتبر نیز، نسبت به مطلب مورد نظر، اطلاق دارد.

روایت 3: در روایت معتبره ابو ایوب خزّاز، از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود:

"و اذا كانت في السماء علة قبلت شهادة رجلين يدخلان و يخرجان من مصر". (وسائل الشیعه، باب 11 از ابواب احکام شهر رمضان، حدیث 10؛ و تهذیب الاحکام، جلد 4، حدیث 451).

یعنی: هرگاه در آسمان عارضه و مانعی باشد، شهادت دو شاهد که داخل شهر می شوند و از آن خارج می گردند، پذیرفته می شود.

بر اساس این روایات، در صورتی که شخصی روزه یوم الشک ماه رمضان را نگرفته است ولی بعداً شاهدان معتبر شهادت دهند که آنها هلال ماه را دیده اند، آن شخص باید روزه روز مذکور را قضا کند.

همانطور که بیان شد، این روایات نسبت به مکانی که شاهدان یادشده هلال ماه را دیده اند، اطلاق دارد و در این زمینه، قیدی وجود ندارد. بنا بر این، رؤیت هلال توسط آنها، خواه در شهری بوده که محل سکونت آن شخص است، و یا در شهر و آبادی دیگر بوده باشد (چه آن شهر دور باشد یا نزدیک)، همه این موارد، تحت اطلاق روایات قرار می گیرند و حجّیت دارند.

برخی از مخالفان این نظریه، چنین ادعا کرده اند که این روایات، به رؤیت شاهدان که در همان شهر هستند انصراف دارد.

پاسخ شبهه مذکور این است که این سخن، ادعایی است بدون دلیل معتبر. علاوه بر اینکه در حدیث سوم (یعنی روایت معتبره ابو ایوب خزّاز) به این نکته تصریح شده است که شهادت دو شاهد که از مناطق دیگر، داخل شهر می شوند و از آن خارج می گردند، پذیرفته می شود.

همچنین، ادعای اینکه روایات مذکور به شهرهای نزدیک انصراف دارد نیز، صرفاً ادعایی است بدون مدرک و دلیل، و نمی تواند اطلاق روایات مذکور را زایل نماید. زیرا اگر مقصود امام (ع) در این روایات، فقط رؤیت در همان شهر یا فقط شهرهای نزدیک بود، آن حضرت می توانست این قید را بیان فرماید، و با ترک تفصیل مطلب، مخاطبان را در جهت خلاف واقع سوق ندهد. بنا بر این، صرف ادعای انصراف بدون دلیل معتبر، پذیرفته نیست.

بر این اساس، اطلاق روایات یادشده به خوبی بر این نظریه دلالت دارد که رؤیت هلال در منطقه یا بلدی معین - خواه دور باشند یا نزدیک - برای اهالی مناطق و بلاد دیگر، پذیرفته می شود.

دلیل دوم

دلیل دوم بر اشتراک همه بلاد در رؤیت هلال، اطلاق منطوق آن دسته از روایات است که وجوب روزه یا افطار را وابسته به رؤیت هلال دانسته است.

به عنوان مثال، در روایت ابو العباس از امام صادق (ع) چنین می خوانیم:

"الصوم للرؤية و الفطر للرؤية". (وسائل الشیعة، باب 11 از ابواب احکام شهر رمضان، حدیث 12).

یعنی: روزه با رؤیت است، و فطر هم با رؤیت.

اطلاق منطوق این دسته از روایات اقتضا می کند که اثبات رؤیت هلال ماه رمضان و ماه شوال به رؤیت شخص خاصی در شهر خودش اختصاص نداشته باشد، بلکه رؤیت اشخاص دیگر در مناطق و شهرهای دیگر را نیز در بر می گیرد.

به عبارت دیگر، لفظ "رؤیت" در این دسته از روایات، به مقتضای اطلاق، شامل رؤیت شخص مکلف و همچنین رؤیت اشخاص دیگر می گردد.

بنا بر اطلاق این روایات که نمونه ای از آنها را نقل کردیم، چه خود شخص در شهر خودش هلال را مشاهده کند، و چه اینکه اشخاص دیگر که شهادتشان معتبر است هلال را در آن

شهر یا مناطق دیگر (خواه دور باشند یا نزدیک) ببینند، اول ماه با هر دو رؤیت برای وی به اثبات می رسد.

بر این اساس، معیار اثبات اول ماه قمری، ثبوت رؤیت هلال توسط خود شخص یا مردمی است که قول آنها اعتبار دارد و پذیرفته می شود. در این روایات، فرقی میان ثبوت رؤیت در شهرهای دور و نزدیک گذاشته نشده است و همه را در بر می گیرد.

اما ادّعی برخی از فقهاء مبنی بر انصراف رؤیت در روایات یادشده به رؤیت در شهر شخص مکلف یا شهرهای نزدیک، صرفاً ادّعایی بدون دلیل معتبر است و پاسخ آن در شرح دلیل نخست، داده شد.

همچنین، ادّعی بعضی از فقهای دیگر مبنی بر اینکه این دسته از روایات فقط در جهت بیان وظیفه ظاهری مکلف در مقام شک صادر شده است، نه بیان اثبات یا عدم اثبات ماه قمری با رؤیت هلال و لذا در این جهت، اطلاق ندارد؛ این ادّعا هم نادرست است. زیرا سخن ما در اطلاق منطوق روایات مذکور است که بیانگر تعلیق تحقق ماه قمری به رؤیت است که به صورت مطلق آمده است. اما حکم ظاهری و وظیفه عملی مکلف در مقام شک، از مفهوم تعلیق روزه به رؤیت هلال استنباط می گردد، نه از منطوق روایت.

بنا بر این، اطلاق منطوق روایات یادشده به قوت خود باقی می ماند و بر اثبات اشتراک بلاد مختلف در رؤیت هلال به نحوی که توضیح دادیم، دلالت دارد.

دلیل سوّم

سومین دلیل، اطلاق دسته ای دیگر از احادیث اسلامی است که قضای روزه یوم الشک را در صورت اثبات رؤیت هلال در شهر دیگری، واجب می شمارد.

روایت 1: از امام صادق (ع) در باره حکم شخصی که 29 روز روزه گرفته است، روایت شده که فرمود:

"ان كانت له بينة عادلة على اهل مصر انهم صاموا ثلاثين على رؤيته، قضى يومًا". (وسائل الشیعة، باب 5 از ابواب احکام ماه رمضان، حدیث 13).

یعنی: اگر شاهدان عادل گواهی دهند که اهل شهری، هلال را رؤیت کرده و سی روز روزه گرفته اند، این شخص، باید قضای یک روز را به جا آورد.

این حدیث از نظر سند، صحیحه می باشد که هشام ابن حکم از امام ششم (ع) نقل کرده است.

از نظر دلالت نیز، این روایت اطلاق دارد و شامل رؤیت هلال توسط مردم شهری دیگر، خواه آن شهر نزدیک باشد یا دور،

می گردد. بنا بر این، رؤیت هلال در یک شهر، برای اهالی سایر مناطق و بلاد، کفایت می نماید.

روایت 2: در صحیحہ ابوبصیر از امام جعفر صادق (ع) چنین می خوانیم:

"انه سئل عن اليوم الذي يقضى من شهر رمضان، فقال: لاتقصه الا ان يثبت شاهدان عدلان من جميع اهل الصلاة متى كان راس الشهر. و قال: لاتصم ذلك اليوم الذي يقضى الا ان يقضي اهل الامصار فان فعلوا فصمه". (وسائل الشيعه، باب 12 از ابواب احكام شهر رمضان، حديث 1).

یعنی: ابوبصیر از امام صادق (ع) در باره روزی از ماه رمضان که باید قضا شود، پرسید. امام (ع) فرمود: قضا ممکن، مگر آنکه دو شاهد عادل از همه اهل نماز شهادت دهند که کدام روز، آغاز ماه بوده است. آنگاه فرمود: روزی را که قضا شده، روزه مگیر، مگر آنکه اهالی شهرها قضای آن روز را به جا آورند. در صورتی که چنین کردند، تو نیز روزه بگیر.

این حدیث نیز صحیحہ است و سندی محکم دارد. دلالت این روایت بر دیدگاه مورد نظر نیز بسیار روشن است. زیرا از یکسو عبارت "جميع اهل الصلاة" به کار رفته است که شامل همه مسلمانان در سراسر جهان می گردد. از سویی دیگر، عبارت "يقضي أهل الأمصار" آمده است که اطلاق آن، همه شهرهای روی زمین را در بر می گیرد.

بنا بر این، رؤیت دیگر مسلمانان که در همه شهرهای دیگر زندگی می کنند، برای ساکنان دیگر بلاد و آبادیها در جهت اثبات ابتدای ماه قمری، معتبر است.

روایت 3: در روایت صحیحہ اسحاق بن عمار و صحیحہ عبدالرحمان ابن ابی عبدالله از امام جعفر صادق (ع) چنین آمده است:

"سالت ابا عبدالله (ع) عن هلال شهر رمضان یغم علینا فی تسع و عشرين من شعبان؟ قال: لاتصم الا ان تراه، فان شهد اهل بلد آخر فاقضه". (وسائل الشیعه، باب 3 از ابواب احکام شهر رمضان، حدیث 9؛ و باب 8، حدیث 3).

یعنی: (عبدالرحمان) می گوید: از امام صادق (ع) در باره هلال ماه رمضان پرسیدم که در بیست و نهم شعبان بر ما پنهان مانده است. فرمود: روزه مگیر، مگر آنکه هلال را ببینی. اگر اهل شهر دیگری شهادت دادند که در آن روز، هلال را دیده اند، روزه آن روز را قضا کن.

همانطور که اشاره شد، این حدیث از دو طریق صحیح و مورد اطمینان وارد شده است و از نظر سند، کاملاً پذیرفته شده می باشد.

از نظر دلالت نیز، مانند روایات پیشین، مطلق است و شامل اعتبار رؤیت هلال در دیگر شهرها، خواه نزدیک باشند یا دور، می‌گردد.

بنا بر این، در فرض عدم رؤیت یک شخص در یک منطقه، رؤیت اهل شهری دیگر، در جهت اثبات رؤیت هلال برای او کفایت می‌کند. عنوان "شهر دیگر" در این روایت نیز، اطلاق دارد و مقید به قیدی (مثل نزدیک بودن یا دور بودن) نشده است.

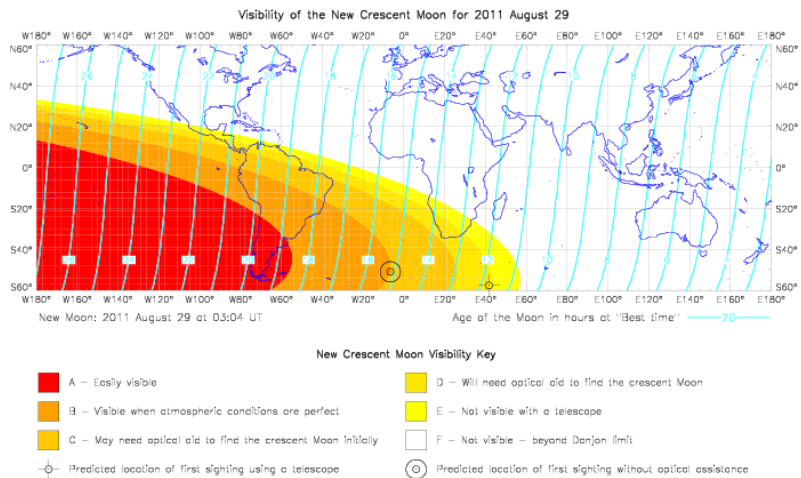
چنانکه قبلاً گفتیم، ادعای جمعی از فقها مبنی بر انصراف این دسته از روایات به اینکه مقصود از شهرهای دیگر، فقط شهرهای نزدیک است و شامل بلاد نائیه و دور نمی‌گردد، مدعایی بدون سند و دلیل معتبر است.

بر این اساس، محقق نراقی در کتاب "مستند الشیعة" در ردّ ادعای مذکور، چنین می‌فرماید:

"اگر گفته شود این مطلق ها فقط منصرف به موارد شایع است و ثبوت هلال یک شهر، برای مردم شهری دیگر که بسیار از آن دور باشد، از موارد نادر است؛ ما در پاسخ می‌گوییم: دلیلی برای این ندرت نمی‌بینیم. زیرا ندرت، تنها در موردی تحقق می‌یابد که امر ثبوت هلال، منحصر در مدت یک ماه باشد، اما بعد از دو ماه یا بیشتر، ثبوت هلال در یک

شهر، برای شهرهای دور دیگر نادر نبوده و مؤثر است. ثبوت رؤیت هلال در مصر، برای بغداد یا در بغداد، برای طوس یا در اصفهان، برای شام و امثال آن، بعد از دو ماه یا بیشتر، نادر نیست؛ زیرا کاروان های بزرگی، همیشه میان این بلاد در رفت و آمد می باشند". (مستند الشیعه، جلد اول).

در صورتی که شخصی با نقشه های امکان پذیری رؤیت هلال نسبت به مناطق روی زمین آشنا و آگاه باشد می داند که ادعای انصراف روایات مذکور به شهرهای نزدیک و فرق گذاشتن میان بلاد قریبه و بلاد نائیه، اساسا بدون وجه است. زیرا حتی در بلاد قریبه نیز، همیشه اینطور نیست که اگر ماه در یکی از آنها دیده شود، حتما در شهری دیگر نیز مشاهده خواهد شد.



به عنوان مثال، در نقشه فوق، رنگهای قرمز تا زرد، نشان دهنده درجه و مرتبه امکان پذیری رؤیت هلال است. و رنگ سفید، نشان دهنده عدم امکان رؤیت هلال در آن مناطق می باشد.

چنانکه ملاحظه می فرمایید، ممکن است دو شهر نزدیک به هم در دو سوی مرز میان دو رنگ مذکور قرار داشته باشند که در عین نزدیک بودن از نظر جغرافیایی، دو حکم مختلف از دیدگاه رؤیت پذیری یا عدم رؤیت پذیری هلال داشته باشند.

بر این اساس، بعضی از معاصرین در ردّ دیدگاه قائلان به انصراف روایات مذکور به بلاد قریبه، چنین می گوید:

"حمل این روایات بر شهرهای نزدیک و هم افق، معنای محصلی ندارد؛ زیرا اگر مراد از شهرهای نزدیک، شهرهای متصل یا شبه متصل به شهر مکلف باشد و از اطراف و حوالی آن به شمار آید، واضح است که نمی توان عنوان «شهر دیگر» را در باره آنها به کار برد و گمان نمی رود این معنا مورد نظر مشهور باشد. و اگر مراد از شهرهای نزدیک، شهرهایی باشد که مسافتی از شهر مکلف فاصله دارد، به گونه ای که عرفاً عنوان «شهر دیگر» بر آنها صدق می کند، آشکار است که رؤیت هلال در شهرهای دیگر، هر چند نزدیک باشد، مستلزم رؤیت هلال در شهر مکلف در همه ماهها نیست؛ خصوصاً اگر در سمت غربی شهر مکلف واقع شده

باشد. دلیل این امر این است که امکان رؤیت هلال در هر ماه قمری نسبت به مناطق زمین، همواره بر روال یکسانی و در مناطق معینی نیست، بلکه از ماهی تا ماه دیگر، متفاوت است. گاهی دایره امکان رؤیت هلال یکی از ماههای قمری، در مرز یک شهر غربی نزدیک به شهرما منتهی می شود؛ در این صورت، امکان رؤیت در آن شهر، مستلزم امکان رؤیت در شهرما نیست. این بدان معناست که حمل روایات مزبور بر شهرهای نزدیک، کفایت نمی کند، بلکه به ناچار، یا باید اعتبار رؤیت هلال را منحصر به شهر مکلف و حوالی آن کرد که این حکم، مساوی با الغای همه این روایات خواهد بود، یا باید به یاری علم هیئت و امثال آن، دایره ای از مناطق کره زمین را که امکان رؤیت هلال در آنها وجود دارد، در هر ماه ترسیم کرد و در شهرهایی که در این دایره قرار دارد، به حلول ماه حکم شود؛ هرچند دور باشد و در شهرهایی که بیرون از این دایره قرار دارد، به عدم حلول ماه حکم شود؛ هر چند نزدیک باشد. حمل روایات بر چنین کاری، چندان سخیف است که نیاز به بحث ندارد". (فقه اهل بیت، آیه الله شاهرودی، شماره 43).

بر اساس آنچه گذشت، و در پرتو سه دلیل روایی یادشده، اگر هلال ماه قمری در روز معینی در یکی از بلاد کره زمین مشاهده شود و رؤیت آن به اثبات برسد، برای دیگر مردمان شهرها و آبادیها اعتبار دارد، و روز بعد از آن، نخستین روز ماه قمری در همه بلاد دیگر می باشد.

یاد آور می شود که ادله این نظریه بیش از آن است که در این نوشتار بیان گردید. اما به خاطر مراعات ایجاز در این رساله، به همین سه دلیل روایی اکتفا می نمایم.
